

تألیف:
جان وانسینا

ترجمه:
فرهاد نامبرادرشاد

سنت شفاهی به مثابه تاریخ



شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۳۰-۲-۳ :
شماره کتابخانه ملی	۵۲۵۴۶۶۵ :
عنوان و نام پدیدآور	سنت شفاهی به مثابه تاریخ / تالیف جان وانسینا : ترجمه فرهاد نام برادرشاد.
مشخصات نشر : تهران	مورخان. ۱۳۹۷ :
مشخصات ظاهری	۳۵ ص.
یادداشت	عنوان اصلی: Oral tradition as history, ۱۹۸۵.
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	سنت های شفاهی
موضوع	Oral tradition :
موضوع	تاریخ -- روش شناسی
موضوع	History -- Methodology :
موضوع	سنت های شفاهی -- آفریقا
موضوع	Oral tradition -- Africa :
موضوع	آفریقا -- تاریخ -- روش شناسی
موضوع	Africa -- History -- Methodology :
ردہ بندی دیوبی	۹۶۰ :
ردہ بندی کنگره	D16/۹۱۳۹۷ :
سرشناسه	وانسینا، جان، ۱۹۲۹ - ۲۰۱۷ م.
Vansina, Jan	Vansina, Jan
شناسه افزوده	نام برادرشاد، فرهاد، ۱۳۶۳ -، مترجم
وضعیت فهرست نویسی	: فیا



سنت شفاهی به مثابه تاریخ

تالیف: جان وانسینا

مترجم: فرهاد نام برادرشاد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

طراحی جلد: فروغ عباسی

صفحه آرایی: امیر نیکبخت

ناظر چاپ: سید حمید جوکار

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۶۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۳۰-۲-۳

وب سایت: www.movarekhan.com

ایمیل: movarekhan.publication@gmail.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است و هرگونه سوءاستفاده، بر اساس قانون کمی رایت از طریق مراجع قانونی قابل بیگیری است.

هدیه به اتفاق شیرین زندگیم؛ دخترم بهار

و

تقدیم به هر آنکس که به من آموخت.

فهرست مطالب

۱۲	سخن مترجم
۱۴	پیشگفتار
۱۹	تقدیر و تشکر
۲۱	فصل اول: سنت شفاهی همچون جریان مدام
۲۲	گفتار اول: تولید پیام‌ها
۲۳	(۱) اخبار
۲۳	(الف) شاهدان عینی
۲۶	(ب) شایعات
۲۷	(ج) تصورات، روایاها و توهمنات
۲۹	(۲) تفسیر تجربه
۲۹	(الف) خاطره
۳۱	(ب) تفسیرها
۳۴	(ج) هنرهای کلامی
۳۵	(۳) تاریخ شفاهی
۳۶	گفتار دوم: فرآیندهای پویایی سنت شفاهی
۳۷	(۱) گفتار حفظ شده
۴۰	(۲) گزارش‌ها
۴۰	(الف) شایعات تاریخی
۴۲	(ب) سنت شخصی
۴۳	(ج) گزارش‌های گروهی
۴۶	(د) سنت‌های اولیه و پیدایش آنها
۵۰	(ه) گزارش‌های متراکم یا پیوسته
۵۱	(۳) حساسه
۵۲	(۴) قصه‌ها، اقوال حکیمانه و ضرب المثل‌ها
۵۵	گفتار سوم: سنت شفاهی به مثابه منبع تاریخی
۵۵	(۱) تعریف

۵۷	۲) سنت شفاهی به مثابه مدرک
۵۷	(الف) از مشاهده ثابت دائمی
۶۰	(ب) چه شواهدی؟
۶۳	فصل دوم: اجرا، سنت و متن
۶۵	گفتار اول: اجرا
۶۵	(۱) نمایش و ارائه
۶۹	(۲) عاملان یا مجریان
۷۲	گفتار دوم: اجرا و سنت
۷۳	(۱) بازتولید اجرا:
۷۳	(الف) تکرار، زمان و مکان
۷۵	(ب) هدف از اجرا
۷۷	(ج) یادآوری: نشانه راهنمای پویش گر
۷۹	(د) ابزارهای ثبت حافظه
۷۹	- اشیاء
۸۲	- مناظر
۸۳	- موسیقی
۸۴	(ه) یادگیری
۸۵	(۲) نوع درونی یک سنت
۸۵	(الف) اشعار و اقسام آن
۸۷	(ب) حماسه
۸۹	(ج) داستان
۹۰	(۳) حقیقت، قدامت و اصالت
۹۳	گفتار سوم: ثبت سنت‌ها
۹۳	(۱) ثبت تصادفی و اتفاقی
۹۴	(۲) مطالعه روشنمند
۹۷	(۳) وضعیت ثبت
۱۰۲	گفتار چهارم: شهادت و متن
۱۰۲	(۱) شهادت کلامی
۱۰۵	(۲) متن

۱۰۷	فصل سوم: دریافت پیام
۱۰۸	گفتار اول: شکل و محتوا
۱۰۹	(۱) ساختار زبانی
۱۱۱	(۲) ژانرهای
۱۱۶	گفتار دوم: معنی
۱۱۷	(۱) معنای آشکار
۱۲۰	(۲) معنای در نظر گرفته شده
۱۲۰	(الف) استعاره و کنایه
۱۲۱	(ب) کلیشه
۱۲۴	گفتار سوم: اهداف پیام
۱۲۹	فصل چهارم: پیام یک محصول اجتماعی است
۱۳۱	گفتار اول: کاربردهای اجتماعی پیام
۱۳۱	(۱) چارچوب نهادی
۱۳۱	(الف) عملکرد و نهاد
۱۳۳	(ب) کنترل اجتماعی اطلاعات
۱۳۶	(ج) سنن رسمی و خصوصی
۱۳۹	۲) پیام به عنوان ابزار
۱۳۹	(الف) کارکردها
۱۴۰	(ب) سنت به عنوان سلاح
۱۴۲	(ج) کاربردهای ایدئولوژیک
۱۴۴	(د) ایده‌آل‌سازی
۱۴۵	(ه) تاریخ گذشته چه کسی است؟
۱۴۷	(۳) اجرآکنندگان
۱۴۹	(الف) وضعیت معمول اجرا
۱۵۰	(ب) شرایط یک ثبت جدید
۱۵۳	گفتار دوم: سنت آئینه جامعه
۱۵۳	(۱) همگرایی سنت و جامعه
۱۵۶	(۲) چطور چنین همگرایی و انطباقی به وجود می‌آید؟
۱۵۶	(الف) محدودیت‌های جامعه و محدودیت‌های سنت

۱۵۸	(ب) اهمیت
۱۶۰	(ج) فهرست
۱۶۱	(۳) تعادل پایدار (Homeostasis)
۱۶۵ فصل پنجم: پیام بیانگر فرهنگ	
۱۶۶ گفتار اول: جوهر و محتواه فرهنگ	
۱۶۷	(۱) مفاهیم اصلی
۱۶۸	(الف) مکان
۱۷۰	(ب) زمان
۱۷۳	(ج) حقیقت تاریخی
۱۷۵	(د) علیت و تغییر تاریخی
۱۷۸	(۲) جهان‌بینی
۱۷۸	(الف) پیدا کردن جهان‌بینی
۱۸۲	(ب) اثرات جهان‌بینی
۱۸۳ گفتار دوم: تصاویر و کلیشه‌ها در نقش بازنمایی‌های جمعی	
۱۸۴	(۱) تصویر
۱۸۶	(۲) کلیشه‌ها
۱۸۹	(۳) تفسیر کلیشه‌ها
۱۹۱	(۴) اعتبار تفاسیر و معنای ضمنی
۱۹۷ فصل ششم: سنت به مثابه یادآور اطلاعات	
۱۹۹ گفتار اول: مجموعه یا پیکره به مثابه استخری از اطلاعات	
۲۰۰	(۱) مجموعه یا پیکره چیست؟
۲۰۰	(الف) پیکره اشتراکی است
۲۰۲	(ب) مشخصات پیکره
۲۰۴	(۲) جریان‌های اطلاعاتی
۲۰۴	(الف) در یک جامعه واحد
۲۰۷	(ب) در جوامع مختلف
۲۰۸	- عبارات کلیشه‌ای
۲۰۹	- بازخورد
۲۱۱	(ج) گردآوری جریان‌های اطلاعاتی

۲۱۱	۳) وابستگی متقابل سنت‌ها
۲۱۵	گفتار دوم: پیکره به مثابه یادآور در طول زمان
۲۱۶	۱) استدلال غلط ساختارگرایها
۲۱۶	(الف) مفروضات و نظریه‌ها
۲۱۸	(ب) روش تحلیل
۲۲۱	۲) ساختار
۲۲۳	۳) ساختار گزارش‌های روایتی
۲۲۸	۴) تأثیر ساختار
۲۳۰	گفتار سوم: گاهشماری و یادآوری اطلاعات
۲۳۱	۱) اندازه‌گیری زمان
۲۳۴	۲) حافظه سازماندهنده توالی‌ها
۲۳۷	۳) منابع تاریخ‌گذاری
۲۳۸	(الف) لیست‌ها
۲۴۲	(ب) شجره‌نامه‌ها
۲۴۲	فصل هفتم: ارزیابی سنت شفاهی
۲۴۹	گفتار اول: محدودیت‌های سنت شفاهی و منابع ییرونی
۲۴۹	۱) گاهشماری و وابستگی متقابل
۲۵۴	۲) گزینش و تفسیر
۲۵۷	۳) میزان محدودیت‌ها
۲۵۸	گفتار دوم: منحصر به فرد بودن سنت شفاهی
۲۵۸	۱) به عنوان یک منبع
۲۶۲	۲) به عنوان اطلاعات درونی
۲۶۵	سرانجام سخن
۲۶۸	کتاب‌شناسی
۲۸۸	نمایه

سخن مترجم

یکی از انواع مختلف منابع تاریخی، سنت‌های شفاهی هستند. آن‌ها پام‌هایی نانوشته‌اند که در حافظه نسل‌های بشری ثبت شده‌اند. سنت شفاهی در گفتارها و آواها منتقل و به صورت مثل‌ها، تصنیف‌ها، سروده‌ها و افسانه‌ها و... دریافته می‌شوند. این منابع تعریف کننده فولکلور هستند و به انتقال مفاهیم تاریخی کمک می‌کنند. به عقیده مؤلف «سنن شفاهی اسنادی از حال حاضرند؛ زیرا در حال حاضر نقل می‌شوند. با این حال، آن‌ها تجسم یک پام از گذشته‌اند و نمی‌توان گذشته و اکنون را در آن‌ها نمی‌کرد.» نویسنده هدف کتاب خود را تلاش برای تهیه مجموعه‌ای از قواعد و قوانین مربوط به جریان تولید، انتشار و ثبت سنن شفاهی و تاریخی برای خوانندگان و محققان این حوزه بیان می‌کند. به گونه‌ای که این قواعد از یک بدنه و ترتیبی منطقی برخوردار باشند. ناگفته نماند تا دوره اخیر عده محدودی از محققان به حوزه روش‌شناسی سنن شفاهی، به عنوان منبع تاریخ ورود کرده‌اند. با توجه به ابداعی بودن شیوه ارائه مطالب و تدوین قواعد مربوط به سنت‌های شفاهی، اهمیت و ارزش این اثر دوچندان است.

چنان‌که خود نویسنده بیان کرده است، موضوعات و مصادیق کتاب محدود به دوره معین یا مکان مشخص نگردیده است. اگرچه این رویکرد باعث باورپذیری بیشتر و ارتباط بهتر مورخان و محققان در زبان‌های غیر انگلیسی با حوزه مطالعاتی

می‌گردد، ولی مترجم را با گستره‌ای از اصطلاحات، واژه‌ها و مفاهیم تاریخی ویژه از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف مواجه کرد. در این بین سعی گردید تا جایی که مفهوم مختلف نگردد، در ترجمه آن‌ها از واژه‌های فارسی جا افتاده و امروزی در حوزه روش‌شناسی تاریخ استفاده شود. البته در مواردی برای کمک به روشن شدن موضوع در ارجاعات و زیرنویس‌ها اطلاعات مضامنی از موارد مطروحه ذکر گردیده است که در پایان همه آن‌ها حرف «میم» آمده است.

با علم به اینکه خوانش و دریافت موضوعات و مفاهیم روش‌شناسی تاریخی مستلزم مذاقه و آگاهی کافی نسبت به حوزه مطالعاتی است، ترجمه چنین متونی، ارائه دقیق متن زبان اصلی را با سختی‌های دوچندان مواجه می‌کند. بر این اساس، پیش‌پیش هرگونه خطأ و کاستی احتمالی که از ناآگاهی مترجم ناشی شده باشد را می‌پذیرم و درخواست دارم خوانندگان محترم این اشتباهات را بادآوری فرمایند. در پایان از همه دوستان و همکارانی که در ارائه بهتر و بخصوص در ترجمه مفاهیم خاص به این حقیر کمک کردند، تشکر می‌کنم و به طور ویژه از دوست خوبم دکتر مصطفی جرفی که فایل متن کتاب را در دسترس اینجانب قرار داد، یاد کنم.

فرهاد نامبرادر شاد

تهران - تابستان ۱۳۹۷

«چیزهای کهن در گوش باقی می‌مانند»

پیشگفتار

این ضرب المثلی است از آکان (کشور غنا) که به صورت مختصر ارائه شده است. شگفتی سنت شفاهی که مورد قبول بخی نیست، این است: پامهایی از گذشته وجود دارد که واقعی هستند، ولی در عین حال به صورت مستمر در دسترس درک و حواس قرار ندارند. سنت‌های شفاهی تنها زمانی آشکار می‌شوند که آن‌ها را نقل کنند. برای لحظاتی گذرا آن‌ها را می‌توان شنید، اما آن‌ها بیشتر در ذهن مردم ساکن هستند. نطق و سخن گذراست، اما خاطرات نه. هیچ کس در جوامع شفاهی شک ندارد که خاطرات می‌توانند مخازنی وفادار و حاوی تجربیاتی از گذشته انسان باشند که چگونگی و چرای شرایط امروز را توضیح می‌دهند. نقل قولی که «چیزهای کهن امروز وجود دارند» یا این نقل که «تاریخ خود را تکرار می‌کند» این مفهوم را تداعی می‌کنند. چه خاطره تغییر کند یا نکند، فرهنگ، بایاد آوری در کلمات و اعمال انسانی، بازتولید می‌شود. ضمیر انسان به‌وسیله خاطرات در حافظه، فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. اینکه چطور برای ذهن به خاطر آوردن موضوعی ممکن بوده و جدای از این، چگونه انتقال این عقاید، پامهای و دستورالعمل‌ها در زندگی پیچیده‌ای که تداوم این ذهنیت را در طول زمان امکان‌پذیر می‌کند، از موارد شگفت‌انگیزی است که یک شخص می‌تواند مورد مطالعه قرار دهد و این تنها با هوش و ذکاوت بشری قابل قیاس می‌باشد. به همین دلیل این

شگفتی مقوله‌ای بسیار شگفت‌انگیز و در عین حال پیچیده است. سنت شفاهی باید مرکزی برای دانشجویان فرهنگ، ایدئولوژی، روانشناسی، هنر و در نهایت تاریخ باشد. در این کتاب ما با آخرین بُعد سنت شفاهی (تاریخ) سروکار داریم.

در میان انواع مختلف منابع تاریخی، سنت شفاهی جایگاه ویژه‌ای دارند. آن‌ها پیام هستند اما ناگوشت: حفظ آن‌ها به خاطرات نسل‌های بی‌دربی مردم سپرده شده است. با این حال تا دوره اخیر، عده کمی معنا و کارکرد آن را از لحاظ روش‌شناسی تاریخی مطالعه کرده بودند. این نظر با توجه به این واقعیت که سنت‌ها به صورت مداوم و مستمر به عنوان یک منبع اصلی به کار گرفته شده‌اند، شگفت‌انگیزتر است. چنین داده‌های نه تنها، منابع آشکاری برای تاریخ جوامع شفاهی و نانویسا یا اطلاعاتی در مورد گذشته گروه‌های عامی و بی‌سود در جوامع تحصیل کرده می‌دهند، بلکه آن‌ها سرچشمۀ بسیاری از نوشه‌های قدیمی نیز می‌باشند. آن‌ها از زمان‌های اولیه در مدیترانه، هند، ایران، چین، ژاپن و یا از زمان‌های اخیر مانند نوشه‌های بسیاری از اروپای قرون‌وسطی قبل از آغاز هزاره اول در اروپای غربی وجود داشتند.

«چیزهای کهن، امروزی هستند». بله، سنت‌های شفاهی اسنادی از حال حاضرند، زیرا آن‌ها در حال حاضر نقل می‌شوند. با این حال، آن‌ها تجسم یک پیام از گذشته هستند. به طوری که آن‌ها بیانی از گذشته در یک زمان‌اند. آن‌ها نماینده گذشته در زمان حال حاضرند. نمی‌توان گذشته و یا اکنون را در آن‌ها نفی کرد. به عنوان مثال برخی جامعه‌شناسان، تمام محتوای نایابدار سنت فعلی را در نظر می‌گیرند که سنت را تحریف می‌کند و آن را نادیده می‌گیرند. همان‌طور که برخی مورخان چنین برخوردي دارند و تأثیرات فعلی را کم یا نادیده می‌گیرند. سنت‌ها را باید همیشه به عنوان انعکاسی از گذشته و حال، در یک کالبد دریافت.

آیا این وضعیت و وابستگی سنت شفاهی به حافظه به طور خودکار اعتبار آن‌ها را به عنوان یک منبع تاریخی از بین می‌برد؟ یا ممکن است اعتقاد به یک داستان ناگوشت از روی علاقه، از پدر به پسر توجیه شود؟ جواب به سادگی یک بله یا خیر نیست. در عوض مانند دیگر انواع منابع تاریخی، این سؤالی است که منجر به

بررسی نحوه اطمینان به سنت‌های خاص مختلف می‌شود که امکان ارزیابی دارند.
این سؤالی است که این تأییف با آن مواجه است.

در سال‌های گذشته من کتابی را برای جواب به این سؤال به امید جلب توجه به این ناکامی در روش‌شناسی تاریخ نوشتیم و یک راهنمای مقدماتی برای ویژگی‌های سنت شفاهی به عنوان تاریخ نوشتیم.^۱ از آن زمان مقالات و کتاب‌های بسیاری به این مسئله و سؤالات مربوطه اختصاص یافته‌اند؛ مانند مطالعه سنت‌ها به عنوان شکلی از هنر. این کتاب نیاز داشت مطالبیش به روز شود. در عین حال، تجربیات زیادی کسب شد، بحث‌های زیادی راه خود را برای به چاپ رساندن پیدا کردند و فکر من مانند حافظه، هنوز نایستاده است؛ بنابراین این به یک کتاب جدید تبدیل شد؛ اما هدف آن تغییری نکرد. هدف آن همچنان معرفی مجموعه‌ای از قواعد و قوانین مربوط به شواهد تاریخی به خواننده است، همان‌گونه که این قوانین بر سنت‌های شفاهی اعمال می‌شوند. این قواعد شواهد از یک بدنه، ترتیبی منطقی از تفکر به خود می‌گیرند. نمی‌توان برخی قواعد را اعمال و برخی را نادیده گرفت. آن‌ها یک واحد کل هستند. آن‌ها روش تاریخ‌اند. هدف ما ارائه آن‌هاست. در یادداشت‌ها من به خواننده بحث‌هایی مربوط به آن‌ها را معرفی می‌کنم.

باتوجه به محدوده و دامنه پژوهه، این کتاب نباید محدود به دوره خاص و یا محلی خاص شود. این کتاب باید تمام موارد را در برگیرد؛ زیرا معتقدم که تفکر انسان و حافظه در هر جایی به صورت یکسان عمل می‌کند و در تمام زمان‌ها یکسان است. برخی هنوز این را رد کرده و در مورد «حالات تفکر» بحث می‌کنند و هدف تفکر را با فرآیند تفکر کردن، اشتباه می‌گیرند. به عنوان نتیجه‌ای ناگزیر از این هدف، این کتاب باید بر وحدت فرآیندهای تفکر در میان تمام انسان‌ها مورد تأکید قرار دهد و از این رو از محدودیت‌های زمان و مکان دوری نماید. با این حال، در عمل بیشتر سنت‌ها و مطالعات در این کتاب بر مبنای برخورد با مردم معاصر است. این از آن جهت اهمیت دارد که ما در اینجا اطلاعات کافی را ارائه می‌کنیم که

1. De la tradition orale (Tervuren, 1961). The exordium of my doctoral dissertation (1957) included much of it.

مورخان را قادر می‌سازد تا قابلیت باورپذیری و اعتبار بسیاری از سنت‌ها را بررسی کنند که احتمالاً در بسیاری از سنت‌هایی که به شکل نوشتاری از گذشته‌های دور به دست ما رسیده است، وجود ندارد. خواننده بدون شک متوجه خواهد شد که در بدنه این کتاب، نمونه‌هایی از آفریقا که حاصل کار مطالعاتی خودم بوده، وجود دارد. برای این موارد اخیر، تحلیل بیشتری در کتاب در دسترس قرار دارد و حتی مواد اولیه منابعی که از آن‌ها استفاده شده، برای خواننده‌گان علاقه‌مند در دسترس قرار دارد.^۱ هیچ ضرری در استفاده از تجربیاتم و یا مواردی از آفریقا تا زمانی که آن‌ها نشان‌دهنده سنت‌های عمومی هستند، وجود ندارد. بدین منظور، تصاویری از سنت‌های مختلف جهان در یادداشت‌ها گنجانده شده است. سنت‌های شفاهی اکنون در بیشتر بخش‌های جهان مورد مطالعه قرار گرفته و به ما اجازه می‌دهد تا با اطمینان اعلام کنیم که ما با شرایط عمومی رویه‌رو هستیم. حجم گسترده‌ای خطوط این کتاب می‌تواند این مسئله را نشان دهد؛ اما در حوزه مطالعه در مورد روش، مختصر بودن یک فضیلت حیاتی است و نکات ایجاد شده باید به جای مستند شدن، به تصویر کشیده شوند.

من این بررسی را با توصیف فرآیندی شروع می‌کنم که ما آن را سنت شفاهی می‌خوانیم. این به من اجازه می‌دهد تا بهتر معنای آن را تعریف کنم. پس این را می‌توان با بحث در مورد نحوه ثبت یک سنت، یک شهادت و یا یک متن دنبال کرد که در آن قواعد انتقاد متنی باید اعمال شود. از این طریق من می‌توانم محتوا

1. I worked among the Kuba (Zaire), in Rwanda, Burundi, and among the Tio (Republic of Congo). Kuba materials have been published in *Geschiedenis van de Kuba* and *Children of Woot*. For Rwanda, see *L'evolution du royaume rwanda des origines 1900* (Brussels, 1962), and the CRL collection of traditions, Ibiteekerezo (Chicago). For Burundi, see *La legende du passe*, and, for the Tio, *The Tio Kingdom*. The Kuba documentation is available in the Memorial Library of the University of Wisconsin-Madison. Further experience was gained during an oral history project in Libya, dealing with the Italo-Libyan war (1911– 32), and data are deposited in the archives of the Libyan Studies Centre, Tripoli.

و زمینه اجتماعی آن‌ها را روشن کرده و ویژگی آن را به عنوان بیان از فرهنگ بیان دارم. سنت، اطلاعاتی است که به خاطر سپرده شده و به همین ترتیب پرسش‌های اساسی را ایجاد می‌کند که بعداً به آن‌ها می‌پردازیم. هنگامی که این جنبه مورد مطالعه قرار گیرد، ارزش سنت برای مورخ را می‌توان ارزیابی کرد. این خط‌سیر هرچند به نظر منطقی می‌رسد، ولی در واقع طرحی از یک کتاب اولیه است. این طرح انتخاب شد تا خواننده با کمترین میزان تکرار، به بررسی سنت شفاهی به عنوان یک معیار سنجش ارزش در بازسازیهای تاریخی پردازد.

تقدیر و تشکر

هرکسی که در مورد سنت شفاهی به عنوان فرآیندی که ریشه در یک مجموعه مشارکتی دارد می‌نویسد، از میزانی که در جریان سنت تاریخنگاری و - به طور کلی - دانش غوطه‌ور می‌شود، آگاه است. در این رودخانه پهناور، گرداب‌هایی را می‌توان پیدا کرد: معلمان، همکاران، دانشجویان و نویسنده‌گانی که هرگز دیده نشده‌اند. فراتر از این، از دانش، زندگی، تجربه و سنت‌ها عبور می‌کنند تا به صورت یک خانواده در مورد سنت‌های خاص و یا دوستان صحبت کنند. آن‌ها عقلی کمتر از دانشمندان حرفه‌ای ندارند. پس مؤسسه‌ای وجود دارند که خانه‌ای برای محققان بوده و آن‌ها را تغذیه می‌کنند: موزه‌ها، نهادها و دپارتمان‌های دانشگاهی. حتی اگر کسی بتواند تمام بدھی‌های خود را لیست کند، چطور می‌تواند سهم بقیه را از بین ببرد؟ در اینجا، متخصص آثار هنری، بدھی‌ها را شناسایی و در این کار نفوذ دارد در حالی که خوانندگان نهادی، اگر باشند، خواهند دید که چه کاری با حمایت آن‌ها انجام شده است.

در گذشته به ما گفته شده که یک دوره طولانی و یک تاریخ بسیار اخیر وجود دارد. در ابتدا من باید حداقل اسم یک نفر و یک نهاد را ببرم، اگرچه اشخاص دیگری نیز هستند. ابتدا پروفسور جی. دزمت (Prof. J. Desmet)، مریبی سابق. او قطعاً مرا یک دانش آموز متمرد و یاغی یافت. بعداً او خودش را به من و موضوع

تحمیل کرد. او از دیدگاه‌های من برس و جو می‌کرد و آن‌ها را با چنان اشتیاقی بیان می‌کرد که گاهی اوقات هم با حواس پرتوی مرا به انحراف می‌کشید و احتمالاً من هم او را منحرف می‌کردم. هیچ کس نکات ظریف و استدلالات تاریخی را بهتر از دزمت درک نمی‌کرد. هیچ کس تا انتهای به هدف این کتاب، بیشتر از او متوجه نماند و البته بعداً متوجه شدم که استاد من چه مقدار انرژی و زمان در این پروژه صرف کرده است.

نهادی که اکنون از دست رفته است به نام

Institut pour la recherchescientifique en Afriquecentrale (IRSA)

برای نه سال باشکوه به ما شعبه‌ای اعطای کرد تا آنچه می‌خواستیم، تحقیق کنیم. این نهاد حاصل کار مرحوم مغفور L. Van den Berghe بود، کسی که هرگز فراموش نخواهد شد.

در گذشته اخیر من باید از صندوق ویلاس ایالت ویسکانسین، دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه ویسکانسین و بنیاد الکساندر ون هومبلت (آلمان) برای حمایت وقتی که به من برای تحقیق و نگارش این کتاب دادند، تشکر کنم و چطور می‌توانم خانم Grabler S. را فراموش کنم که همه این‌ها را تایپ کرد و در اواسط کار مجبور شد تا آن را بازیابی کند.

جان وانسینا

فرانکفورت، مین و مدیسون

ویسکانسین. امریکا.